

آینه

انتقاد

یادداشت: «دین نباید دستاویز جنایت شود»؛ سیدمصطفی محقق داماد

در همین لحظاتی که برای شما صحبت می‌کنم، عده زیادی به‌نام خدا، خون می‌ریزند و به‌نام خدا آدم می‌کشند. با توجه به اینکه دست‌پشت‌برده این جریانات، دست‌های آلوده سیاستمداران و قدرت‌طلبان است، تاسف‌بارتر آن است که مباشرین، به نام دین و براساس اعتقاد دینی چنین کارهایی را انجام می‌دهند. چهل دینی آنها را به این مسیر کشانده است... درخصوص روابط اسلام و مسیحیت واقعیت این است که دیگر دوران احتجاج پایان‌یافته است. احتجاج غلبه پیرو یک‌دین بر پیرو دین دیگر است... الان دوران گفت‌وگوست... پیشنهاد اینجانب این است که برای دینداری یعنی پذیرفتن یک‌دین- هردینی که می‌خواهد باشد- چندانص علنایی را به‌عنوان پیش‌فرض قرار دهیم. در راس آن اصول اصل کرامت انسانست. به دیگر سخن قبل از ورود در دین بپذیریم که ما انسان هستیم و سپس می‌خواهیم دیندار شویم و انسانیت به‌ماهو محترم و کریم است و کرامت ذاتی انسان است. اگر این اصل را بپذیریم احترام به حقوق انسانی خط قرمز ما خواهد شد، دیگری را خواهیم پذیرفت و هرگز به حریم کرامت او به‌هیچ انگیزه‌ای تجاوز نخواهیم کرد.

جمهوری اسلامی

سرمقاله: « چرا پاپ به وظایف خود عمل نمی‌کند؟»

سفر پاپ به ترکیه در آستانه سال نو مسیحی و سالگرد تولد حضرت‌عیسی مسیح انجام می‌شود. در چنین موقعیت زمانی حساسی انتظار از پاپ اینست که به جای افتادن در دام تشریفات و دیدارهای رسمی و ظاهرسازی‌ها و اقامت در کاخ‌های گران‌قیمت، به آوارگان جنگ‌های داخلی سوریه و ترکیه سری بزند، آنها را مورد تفقد و ملاطفت قرار دهد، سخنانی در حمایت از مظلومان و محرومانی که خانه و کاشانه خود را در این بحران‌ها از دست داده‌اند بگوید، اعلامیه‌ای در محکومیت غرب که آتش تفرقه و جنگ‌های داخلی را به جان ملت‌های منطقه انداخته صادر کند و سران دولت ترکیه را به‌خاطر سهمی که در ایجاد این بحران‌ها و به خاک‌وخون کشیده‌شدن و آوارگی مردم محروم منطقه داشته و دارند سرزنش کند. چرا آقای‌پاپ هنگامی که در مجاورت این مناطق بحرانی قرار می‌گیرد، موضع خود را روشن نمی‌کند؟

ایران

«شریف‌زاده:پرونده‌رحیمی به جایی نمی‌رسد»

«همن شریف‌زاده، یکی از نزدیکان رییس دولت سابق که درپهشت‌ماه اسفیل بازداشت شده بود گفت که دستگیری‌اش «سناریو» بوده و همچنین پیش‌بینی کرد پرونده «محمدرضا رحیمی» به جایی نمی‌رسد. وی در پاسخ به سوالی درباره اتهامات مالی‌اش به ایسکانیوز گفت: «اتهامات من همه چیز را شامل می‌شد. و توضیحی در این باره نمی‌دهم و فعلا نباید باز شود. فقط بدانید یک سناریو بود.»

گزارش: «اذان این مسجد بلند شود پایمان را به نثار نمی‌گذاریم»

حمیدرضا نعیمی، نویسنده و کارگردان تئاتر در برنامه هفته گذشته مجله تاتر که از شبکه‌چاره‌سیما پخش می‌شود، با حمله به ساخت مسجدولیعصر(رعج)، با دعوت از سایر هنرمندان تئاتر، تهدید کرد در صورت افتتاح این مسجد نه‌تنها وی بلکه سایر اهالی تئاتر دیگر پایشان را به مجموعه تاتر شهر نخواهند گذاشت!.. نعیمی در صحبت‌هایش به مسایل حاشیه‌ای از جمله ساخته‌شدن مسجد حضرت‌ولیعصر(رعج) در نزدیکی مجموعه تئاترشهر اشاره کرد و در برنامه زنده تلویزیون گفت: «به نظر من از دولت اول آقای احمدی‌نژاد بی‌توجهی به فرهنگ، هنر و تئاتر آغاز شد از قضا و بدبختانه عناد آقای احمدی‌نژاد با تئاتر از زمان شهردارشدنشان شروع شد، یعنی زمانی‌که ایشان آمدند پارکینگ تئاترشهر را تبدیل به مسجد کردند و ما و همه شما از همین برنامه اعلام می‌کنیم زمانی‌که این مسجد افتتاح شد و بلندگوهای این مسجد شروع کنند به کارکردن، دیگر حاضر نخواهیم بود هیچ‌کدام از ما آنجا تئاتر کار نکنیم. شک نکنید اینجا محملی برای نابودکردن تئاتر کشور است.»

وطن امروز

سرمقاله: «رویا به بدنبال لانه جاسوسی»؛ امیر محمدپور

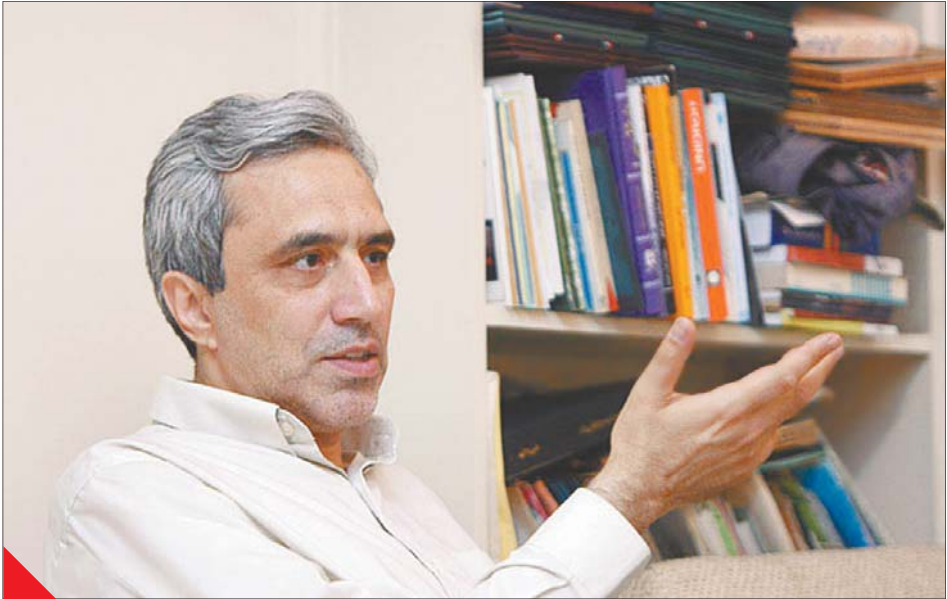
در شرایطی که روابط میان ایران و انگلستان پس از توهین‌های مکرر نخست‌وزیر این کشور به‌دنبال دیدار بی‌سابقه رییس‌جمهور روحانی و دیوید کامرون در حاشیه جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه سال‌جاری کم‌اکان تیره‌وار می‌نماید، فلیپ هاموند، وزیر خارجه این کشور خواهان دریافت امتیازات ویژه کنسولی برای بازگشایی مجدد سفارتخانه این کشور در تهران شد... با توجه به تعطیلی سفارت آمریکا در ایران از ۳۵ سال پیش، نیاز به جاسوسی مستقیم بزرگ‌ترین متحد اروپایی آمریکا از ایران از طریق سفارتخانه این کشور ضرورتی چندباره نیز می‌یابد! اکنون سوال اصلی این است که دولت و وزارت امور خارجه تا چه اندازه به اهداف و انگیزه‌های قابل توجه انگلیسی‌ها برای بازگشایی مجدد این به‌اصطلاح «سفارتخانه» در تهران واقف هستند.

سیاست

سخنگوی پیشین قوه‌قضاییه در گفت‌وگو با «شرق»:

نیازی به قانون «حمایت از آمران به‌معروف وناهیان ازمنکر» نداریم

مهسا جزینی



مهسا جزینی، سیاست‌مدار

حضرت علی (ع) است که نصیحت مردم نسبت به خودشان را جزو حقوق خودشان ذکر می‌کنند. برای همین باید زمینه اجرای آن فراهم شود تا مردم بتوانند نسبت به عملکرد مسوولان نقد مثبت و سازنده داشته باشند.

ک**اولی به جز همان بند، باقی بندها و روح کلی**
طرح بیشتر ناظر بر نظارت مردم بر مردم است تا مسوولان. در این طرح، وقتی از مجازات افرادی صحبت می‌شود که در برابر انجام عمل معروف و نهی‌ازمنکر ممانعت به عمل می‌آورند یا به نوعی به تعریف حریم خصوصی می‌پردازد، همه اینها به فضای عمومی و مردم نظر دارد تا عملکرد مسوولان، یعنی اتفاقا اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را دیده‌بانی مردم بر مردم دانسته تا دیده‌بانی نسبت به عملکرد مسوولان و حاکمان.

بله، بقیه سواد طرح همان‌طور که شما می‌گویید، بیشتر مردم را مدنظر دارد تا مسوولان را. اما اگر بازگردیم به همان سوال نخست شما و اینکه اصلا لزوم تهیه چنین قانونی چیست و این قانون می‌خواهد کدام مشکل حل‌نشده‌ای را حل کند، به نظر بنده این طرح هیچ حرف جدیدی برای گفتن ندارد. اساسا ما نیازی به این طرح نداریم. براساس قوانین موجود، ما هیچ‌گاه درخصوص تذکر زبانی یا نقد نوشتاری عملکرد دیگران یا دولت و اینکه چه اقدامی را نباید یا باید انجام داد، مشکلی نداشته‌ایم که حالا اگر کسی بخواهد چنین کند، دچار مشکل شود و ما برای رفع مشکل او اقدام به تصویب قانون کنیم. اتفاقا در همه‌جای دنیا

اگر فردی رفتار ضداجتماعی، عرف و اخلاق داشته باشد یا در ملأعام قانون را نقض کند با واکنش مردم روبه‌رو می‌شود. اتفاقا در غرب مردم بیشتر مقید هستند که تذکر بدهند، حتی گاهی با همین رو ترش‌کردن، اخم‌کردن و نشان‌دادن ناراضیاتی سعی می‌کنند همان رفتار را انجام دهند که ما نامش را امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌نامیم. تصور می‌کنم اگر

ما می‌خواهیم کار غلط در کشور نهادهی نشود و نسبت به نقض قوانین و مقررات و رفتار خلاف اخلاق بی‌تفاوت نباشیم به کار فرهنگی نیاز داریم نه قانون. چون ما در زمینه قانون کمبودی نداریم که با تصویب قانونی جدی مشکل حل شود. از سویی مثلا در این طرح مجلس گفته شده است که اگر افرادی می‌خواهند چنین تذکراتی را بدهند، حق توهین و افترا و ضرب و جرح ندارند

می‌نامیم. تصور می‌کنم اگر ما می‌خواهیم کار غلط در کشور نهادهی نشود و نسبت به نقض قوانین و مقررات و رفتار خلاف اخلاق بی‌تفاوت نباشیم به کار فرهنگی نیاز داریم نه قانون. چون ما در زمینه قانون کمبودی نداریم که با تصویب قانونی جدی مشکل حل شود. از سویی مثلا در این طرح مجلس گفته شده است که اگر افرادی می‌خواهند چنین تذکراتی را بدهند، حق توهین و افترا و ضرب و جرح ندارند

می‌نامیم. تصور می‌کنم اگر ما می‌خواهیم کار غلط در کشور نهادهی نشود و نسبت به نقض قوانین و مقررات و رفتار خلاف اخلاق بی‌تفاوت نباشیم به کار فرهنگی نیاز داریم نه قانون. چون ما در زمینه قانون کمبودی نداریم که با تصویب قانونی جدی مشکل حل شود. از سویی مثلا در این طرح مجلس گفته شده است که اگر افرادی می‌خواهند چنین تذکراتی را بدهند، حق توهین و افترا و ضرب و جرح ندارند

آپارتمان‌ها و نظایر آنها مشمول عنوان حریم خصوصی نیست.
ک**اولی به داخل اتومبیل یا فضاهای مشترک آپارتمان‌ها اشاره شده است.**
داخل اتومبیل که حریم خصوصی نیست، حریم خصوصی یعنی جایی که افراد مجاز باشند هرکاری دوست دارند انجام دهند و دیگران حق اعتراض و ورود به آن را ندارند. ولی مثلا فضای مشترک آپارتمان یا راه‌پله‌ها یا درون ماشین که از این نظر حریم خصوصی محسوب نمی‌شود. آیا درون راه‌پله کسی می‌تواند مرتکب هرکاری شود؟ ولی یادمان باشد وقتی گفته می‌شود حریم خصوصی نیست، به این معنی نیست که هرکسی حق ورود بی‌اجازه یا گشت‌بدون مجوز قضایی را دارد. من هم برای همین می‌گویم که این حرف جدیدی نیست. بالاخره همان مواردی که جرم بوده الان هم جرم است.

ک**اولی در یک قسمتی از این طرح به مجازات افرادی اشاره شده است که در برابر انجام عمل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مانع ایجاد می‌کنند و مجازات‌های تقریبا سفت‌وسختی هم برای افراد در‌نظر گرفته شده است. حالا مثلا این سوال پیش می‌آید که اگر فردی به قصد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر قصد ورود به جایی مثل همان اتومبیل یا فضای مشترک آپارتمان را داشت ولی نگهبان آپارتمان مانع شد با مجازات روبه‌رو می‌شود؟ و آیا همین مساله باعث نمی‌شود که دست افراد برای سوءاستفاده باز شود؟**
این ابهامات نقاط منفی طرح است که باعث سوءاستفاده می‌شود. این طرح باید توضیح دهد که منظور از این چیست؟ چه مانعی؟ اگر کسی بخواهد از این طرح سوءاستفاده کند و دست به اقداماتی بزند تکلیف چیست؟ ولی به نظر من منظور از طرح قطعا این نیست که افراد بتوانند مرتکب ورود غیرمجاز به املاک دیگران شوند چون در قوانین کفیری، ورود به‌زور یا غیرمجاز عنوان مجرمانه خاص خود را دارد و این دلیل مضاعفی است مبنی بر اینکه این قانون نه‌تنها مشکلی را م را حل نمی‌کند بلکه تا حدودی بر ابهامات موجود هم می‌افزاید.

ک**پیش‌بینی شما از سرانجام این طرح چیست؟ آیا شورای نگهبان آن را تصویب خواهد کرد؟**
فکر نمی‌کنم شورای نگهبان کلیت آن را رد کند. ممکن است به بخشی از مواد آن ایراد بگیرد و آن را برگرداند اما اینکه به کلیت آن ایراد جدی گرفته شود را بعید می‌دانم. ما می‌گوییم این طرح ضرورتی ندارد اما اینکه این یک استدلال مبنایی برای شورای نگهبان شود که مصوبه را رد کند، به نظر من اینطور نیست.

ک**گفته می‌شود قانون باید صریح و روشن باشد. آیا اصلا می‌شود مصادیق امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را شفاف کرد؟**

چون شرایط می‌تواند متفاوت باشد شاید نتوان در یک قانون همه موارد را با جزئیات مشخص کرد. **ک** مسایل فرهنگی هم مطرح است. ممکن است جایی یک رفتار از نظر گروهی صادق امربه‌معروف دانسته شود و جایی دیگر نه. از روستا به شهر یا فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

البته در تعریف گفته شده است که «آنچه در عرف مشترعه معروف و منکر تلقی می‌شود.» یعنی به عرف قید زده و منظور عرفی است که در میان متدینین مشهور است. اما به‌رحال از این نوع ابهامات در طرح وجود دارد. فقها درباره شرایط امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر زیاد صحبت کرده‌اند. در تبصره یک این طرح گفته شده است در مواردی که تشخیص مشکل یا نظرها متفاوت باشد، نظر ولی‌امر مسلمان شرط و فصل‌الخطاب است. اما در زمانی که فردی قصد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را دارد یا آن‌س که نسبت به او این کار انجام می‌شود، ممکن است الزما نظر ولی‌امر را نداند. در کل همه این ابهامات هم دلیل مضاعفی است بر اینکه نیازی به وجود چنین قانونی نیست به‌ویژه آنکه حرف جدیدی هم نسبت به قوانین موجود ندارد.

محمدعلی پورمختار، رییس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس آن روزها درباره احضار احمدی‌نژاد به دادگاه به دلیل شکایت او و دو شکایت دیگر گفته بود: «موارد شکایت از رییس جمهوری در کمیسیون اصل ۹۰ زیاد بوده و نمی‌دانم این احضار به خاطر کدام موضوع است.» سروکار برخی مدیران و مسوولان دولت‌های نهم و دهم این روزها به دادگاه افتاده، از معاون اول ریاست‌جمهوری گرفته تا رییس وقت سازمان تأمین اجتماعی. حالا خبر رسیدگی به پرونده محمود احمدی‌نژاد و تخلف‌های صورت‌گرفته در دوره مدیریت او آبی بر آتش است. باید دید مردی که سال‌ها خود را «خدمتگزار، پاکدست و عدالت‌محور» می‌نامید این بار در دادگاه حاضر می‌شود و این پرونده به کجا ختم خواهد شد؟

ادامه از صفحه اول

آنا‌تومی یک قتل

اما در مقام پاسخ به این سوال طرف چند روز اخیر اظهارنظر‌های متفاوتی از جانب افراد متفاوتی مطرح شده است؛ از مسایل و مشکلات تربیتی فرد تا میزان خشونت در جامعه و... طبیعتا طرف روزهای آتی نظرات بیشتری هم عنوان خواهد شد و هرکس از ظن خود تلاش خواهد کرد تا بلکه بتواند ابعاد مختلف این ماجرا را بررسی کند. با وجود این، وجه مشترک بسیاری از نظراتی که تاکنون در این‌باره در جراید رسمی یا شبکه‌های مختلف اجتماعی مطرح شده، مسکوت‌گذاشتن نکته‌ای مهم و اساسی است که نبض تپنده ماجراست، نکته‌ای که به باورم در کنار سایر نظرات موجود می‌تواند از زاویه‌ای متفاوت و به شکلی علمی و مستند تا حد زیادی توضیحی‌قابل‌اعتنا در زمینه چرایی این مساله به ما آرایه کند و نوری بر تاریکخانه این تراژدی بتاباند: «اختلال روانی شخصیت ضداجتماعی.» این جستار تلاشی است برای واکاوی چرایی این موضوع از این دیدگاه. در اوایل قرن ۱۹ میلادی بود که گروهی از پزشکان در اروپا و انگلستان پی بردند برخی از مراجعان آنها افرادی هستند که به نظر ظاهری طبیعی و سالم دارند اما در واقع نوعی «جنون یا انحراف اخلاقی» را از خود نشان می‌دهند و در نتیجه برای نامیدن آنها برای اولین‌بار از اصطلاح «سایکونیتی» استفاده کردند و در اوایل قرن بیستم بود که این کلمه برای توضیح این‌گروه از افراد و ویژگی‌های خاص آنها تبدیل به اصطلاحی مرسوم و متداول شد. در حال حاضر سایکونیتی را نوعی اختلال روانی می‌دانند که خود زیرمجموعه‌ای از «اختلال شخصیت جامعه‌ستیز» است و به‌طور ساده منظور از آن نوعی مشکلات روانی و رفتاری پیچیده است که در آن فرد از سنین پایین (کودکی) ممکن است مجموعه‌ای از رفتارهای پرخاشگرانه یا تمایلات ستیزه‌جویانه و خشن را به اشکال مختلف نشان دهد، بعضا ممکن است بسیار در لحظه و تکانشی عمل کند و اغلب بدون فکر و آنی دست به تصمیم‌گیری‌های عجولانه بزند، این افراد اغلب نسبت به احساسات و وضعیت روحی و روانی اطرافیان و دیگران کم‌توجه هستند و اهمیت چندانی ن داده و عکس‌العمل مناسبی را هم نشان نمی‌دهند، مایل به انجام اعمال خلاف قانون و زیرپاگذاشتن هنجارهای اجتماعی و اخلاقی‌اند و در نهایت افرادی بسیار خودخواه و خودشیفته و مسکنند به نظر می‌آیند.
خب این توضیحاتی بسیار کلی و مختصر از آن چیزی است که آن را سایکونیتی می‌نامیم. اگر احیانا با خواندن این سطور دچار نوعی نگرانی شده‌اید که آیا شما هم ممکن است سایکوپت باشید یا خیر، بهتر است خیالتان را راحت بکنم و بگویم که نیستید. افراد سایکوپت از این بابت نگرانی و ناراحتی نشان نمی‌دهند و ندارند و در اغلب موارد حتی از این بابت احساس خوبی هم دارند و به گفته یک عصب‌شناس مشهور اگر شما نگران این هستید که سایکوپت باشید این معنایش آن است که نیستید. امروزه علم اطلاق چنین عنوان ۱۸ساله) را غیرقابل قبول می‌دانند که تا حد زیادی مرتبط با انگ‌های اجتماعی آن و تبعات ناخوشایند و تأثیر منفی‌اش در شکل‌گیری شخصیت کودک است. با وجود این ماهیت عصبی (نورولوژیک) و علایم و نشانه‌های سایکوپتیک را در برخی کودکان تا ۲۵درصد مجرمان و جنایتکاران در زندان‌ها دچار صون اختلالند و براساس مطالعه‌ای که در آمریکا این‌گونه گفته شد مشخص شد همین مساله هزینه‌ای (خسارتی) معادل ۶۰میلیارددلار در سال را برای آن کشور دربردارد. با توجه به همه اینها به روشنی می‌توان دید این مساله‌ای در جوامع مختلف شایع است و نظام آموزش و سلامت جامعه ناگزیر از مواجهه با آن. حال برگردیم به حادثه اخیر، با توجه به آنچه اتفاق افتاده می‌توان تقریبا از یک چیز مطمئن بود؛ اینکه این نوجوان به احتمال قریب به یقین دچار اختلال شخصیت ضداجتماعی است، ولی شدت و شرایط و کیفیت دقیق آن لازم است با انجام مصاحبه و بررسی‌های تخصصی بیشتر تعیین شود. از سوی دیگر و با درنظرگرفتن سن وی و آنچه تحقیقات نشان می‌دهد می‌توان به اختلالاتی دیگر نظیر بیش‌فعالی و نقص توجه نیز مشکوک بود. بسیاری از مجرمان در این سن نشانه‌هایی از رفتارهای تکانشی، مشکلات توجه، ضعف در بازداری‌های هیجانی و ارزش‌گذاری‌های شناختی در نشان می‌دهند. همین‌طور بررسی تاریخچه رشد روانی کودک، وضعیت خانوادگی و ارتباطاتش با افراد خانواده و شرایطش در محیط مدرسه و روابطش با معلم درگذشته و سایرین و سابقه ابتلا به سایر بیماری‌ها می‌تواند اطلاعات کافی را در این‌باره در اختیار ما قرار دهد. حتی انجام یک‌اسکن مغزی (آک‌تونه که در سایر کشورهای دنیا روال است) می‌تواند به متخصصان نشان دهد آیا احیانا می‌توان رد نشانه‌هایی از یک نقص ساختاری را در مغز وی یافت؛ چرا که در پاره‌ای موارد وجود چنین نقصی (مثلا در مناطقی از بخش‌های جلویی مغز مانند قشر اوربیتوفرونتال و...) می‌تواند باعث بروز چنین مسایلی شود.

ادامه در صفحه ۱۴